



دریای کنر عنان در کشید از دنبال تو جاری گشت
از جای پای تو درختان بلند سبز سر کشیده اند امروز

بزرگداشت از خدمات فراموش ناشدنی داکتر ناکومورا (کاکا مراد)

به تاریخ اول فیبروری 2020 انجمن فرهنگی افغانستان در حومه اوفنباخ (فرانکفورت)، فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)، خانه فرهنگ افغانستان (برلین، هامبورگ)، هواخواهان حزب همبستگی افغانستان در اروپا و اتحادیه فرهنگی افغانستان در شهر اشترااسبورگ (فرانسه) محفلی را تحت عنوان (در ستایش نکوکاری و نیکان؛ بزرگداشت از تتسو ناکامورا – "کاکا مراد") در حومه شهر فرانکفورت (Dreieich - Sprendlingen) برگزار کردند. در این محفل که جم غفیری از افغانستانها اشتراک نموده بودند، از برگزاری همچو محافل و یاد و بود از فعالیتهای کاکا مراد استقبال صورت گرفت.



در بخش اول این برنامه سخنرانی‌هایی در مورد خدمات فراموش ناشدنی و درخشان ناکامورا صورت گرفته و تحلیلهایی از تأثیر فعالیت‌های او ارائه گردید. همچنین در مورد فقدان کاکا مراد و ادامهٔ پروژه‌های او بیاناتی قرائت گردیده و از درس‌هایی که زندگی و کار ثمربخش کاکا مراد به جامعه ما باقی گذاشته، یاد شد. در محور این صحبت‌ها بحث‌هایی هم در رابطه با یافتن و نقش ناکامورا‌های افغانی نیز صورت گرفت. مراد ازین صحبت‌ها آن بود که ما برای عمران کشور خود باید از خویشتن خویش ناکامورا بسازیم و در خدمت مردم خود قرار بگیریم. درسی را که کاکا مراد به ما داد همین است و ثابت ساخت که این امر نه تنها ضروریست، بلکه ممکن و میسر نیز می باشد.

بخش دوم برنامه شامل نمایشات فرهنگی، ادبی، هنری، موسیقی، نمایش فلمی اعتراضی در مقابل سفارت پاکستان در کابل و تیاتر بود. در بخش موسیقی از آقای کینگو هنر مند جاپانی مقیم پاریس که چند پارچه رباب افغانی را نواخت، استقبال به عمل آمد. همچنین استاد غلام حسین که از استادان مشهور افغانستان به شمار می رود، با نواختن چندین پارچه رباب شرکت کنندگان را خشنود گردانید. به همین ترتیب آقایان نورالله نصیب، فرید آذر، صالح کاظمی و چند هنرمند دیگر با هنر شان محفل را رنگین نمودند. آقای فرید برومند پارچه‌های تمثیلی را مهیا نموده و با همکاران شان اجراء کردند. کارگردانی محفل را خانم نظیفه صدیقی به بهترین وجه به پیش می بردند. همچنین خانم وجیهه قانع، آقای دکتر توکل، آقای فاروق فارانی در گرداندگی برنامه نقش داشتند. چند همکار دیگر از اتحادیه‌هایی که در بالا تذکر داده شدند، برای آمادگی برنامه زحمت کشیده بودند. محفل که ساعت دو بجۀ بعد ظهر شروع شده بود تا ساعت یازده شب ادامه پیدا کرد. در روز بعدی برگزار کنندگان محفل با هم ملاقات کرده و در مورد ادامهٔ همچو محافل بحث نموده و به فیصله‌هایی رسیدند.

در اینجا به گونهٔ مثال از مضمون خانم لونا ولی رئیس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو) در مورد ناکومارا که در محفل قرائت گردید، یاد می گردد. همچنین مقالات تحلیلی آقای فاروق فارانی و بانو زهرا موسوی و پیامهای انجمنها و اتحادیه‌ها نیز خوانده شدند که به صورت جداگانه به نشر می رسند.

داکتر ناکامورا

گل همیشه بهار ننگرها

(لونا ولی)

داکتر ناکامورا: نیکوکاری که برای سه دهه در ولایت ننگرها برای رفاه مردم کار کرد. او در ننگرها به شخصیت قابل احترام و تحسین تبدیل شده بود. و اما بعد از مرگ، به انسانی تبدیل شد که نه تنها در سرتاسر افغانستان، بلکه در سطح جهانی، مورد احترام و بزرگداشت قرار گرفت. مرگ ناکامورا، افغانستان و دنیا را تکان داد. مردی که دشت‌های خشک را به زمین‌های سبز و حاصلخیز بدل کرد. مرد رضاکاری که ثمربخش‌ترین پروژه‌ها را مدیریت نمود، سرانجام پس از سه دهه جانفشانی، خون خود را بخاطر رفاه و سعادت انسان، در کنار مردم جنگزدهٔ افغانستان بریخت. ناکامورا، از جوانی به این طرف، مصروف کارهای طاقت فرسای رضاکارانه بوده است. او در دههٔ 1980 به حیث یک انسان فداکار، مریضهای جذامی افغان را در پاکستان زیر تداوی قرار داد. کار با مبتلایان مرض جذام نشان می دهد که داکتر جاپانی دارای چه احساس و عاطفهٔ انسانی بوده است. کارهایی را که داکتر ناکامورا در عرصهٔ طبابت انجام داده، کمتر طبیبی حاضر می شود که بطور رضاکارانه به آن اقدام ورزد.

کارهای داکتر ناکامورا، کارهای زیربنایی و بنیادی بود. او می دانست که مشکل اصلی مردم در ولسوالیها و دهات، مشکل آب است، آب نوشیدنی و آب برای آبیاری. او پروژه‌هایی را طراحی و عملی کرده که همگی به نفع مردم و انکشاف اقتصادی و

اجتماعی بوده اند. انسانهای بیکار درین پروژه ها صاحب شغل شده اند. ناکامورا با احساس، تصمیم گرفته بود که دهها پروژه مفید و حیاتی را در ننگرهار تطبیق نماید. او می فهمید که مردم فقیر دهکده ها به کدام پروژه ها ضرورت دارند؛ لذا در همان زمینه ها به اقدامات عملی دست می زد. انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان یکی از آرزوهای ناکامورا بود.

از همان ابتدا به کارهایی دست زد که شفق خونین را گواهی میداد. به کانال های آبیاری می اندیشید تا چگونه زمینهای خشک ننگرهار را زیر آب سازد؟ به بند های آب گردان فکر می کرد که چگونه آبهای از دست رفته را مهار نماید؟ کانال 26 کیلومتری مروارید، یکی از کارهای ماندگار این انسان نیکوکار است. همچنان او می خواست حفر و اعمار کانالهای دیگری را در آینده عملی کند. دست زدن به آب، مهار کردن رودخانه، سرنوشت خونینی بود که داکتر ناکامورا آنرا از آغاز پذیرا شده بود. کاری را که دولتهای افغانستان با قوای مسلح خود نمی توانستند انجام بدهند، داکتر ناکامورا با دست های غیر مسلح و همکاری مردم، انجام داد. اتکالی او مردمانی بودند که به این پروژه های حیاتی نیاز داشتند.

ناکامورا چون داکتر طب بود می توانست به کارهای خطر ساز دست نزند و فقط به بخش صحت و کلینیک ها بپردازد. هرچند از همان دورانی که در پشاور بسر می برد، در تکاپوی ایجاد کلینیک های صحتی در داخل افغانستان بود. ایجاد کلینیک های صحتی برایش اهمیت داشت و می کوشید تا از این طریق برای مردم کمک نماید. اما این شخصیت متفکر و خلاق به این باور رسیده بود که یک کانال آب، بهتر از کار صد داکتر را انجام می دهد.

درجه اهمیت کارهای داکتر ناکامورا زمانی فهمیده می شود که به اوضاع سیاسی و جنگی افغانستان توجه داشته باشیم. مراجع قدرت در افغانستان، بخصوص در بیست سال اخیر، هیچ کمکی به وضع اقتصادی مردم و کاهش جنگ انجام نداده اند. مردم افغانستان بیشتر از هر زمانی فقیرتر شده، جنگ ادامه دارد و تلفات مردم زیاده تر شده است. دولت نتوانسته تا آبهای خروشان کشور را مدیریت نماید. بدون آنکه از آبهای رودخانه ها استفاده شود، بطور رایگان به کشورهای همسایه سرازیر می شوند. کسی به فکر مهر کردن آبهای جاری افغانستان نیست.

فساد، جنگ، چپاول، جنایت، خشونت، فقر، مهاجرت، کشتار مردم و دهها مصیبت دیگر، محصول دولتهای دو دهه اخیر است. خشونت علیه زن بیداد می کند، پروژه "نفاق بینداز و حکومت کن!" بشدت تطبیق می گردد. شاخه های مختلفه افراطیت اسلامی که خود محصول منافع کشور های منطقه و جهان هستند، کشور ما را به محراق جنگهای هولناک و تمام نشدنی تبدیل کرده اند. وضعیت موجود وحشتناک بوده و مرگ آور است. مقام داران به صلح و رفاه مردم نمی اندیشند، چون جنگ برای شان گاو شیری شده است. درین دو دهه، ظاهراً میلیارد ها دالر در پروژه های انکشافی دولت به مصرف رسیده است اما در واقع، هیچ جایی را انکشاف نداده اند و قسمت بیشتر این پولها، در جیب های شخصی داخلیه و خارجیه سرازیر گشته اند. پروژه هایی که مردم را از فقر نجات بدهد، وجود ندارد. پروژه هایی که برای مردم فقیر روستا ها و شهر ها اشتغال ایجاد کند، اصلاً وجود نداشته و در آینده نزدیک نیز وجود نخواهد داشت.

در اوضاع و احوالی که جنایت و خیانت به جای نکوکاری و رضاکاری نشسته اند و در اوضاعی که دزد و غارتگر به جای عدالت و امدادگر قرار گرفته اند، در چنین آسمان تیره و تاریک است که نقش انسانی و نیکوکارانه داکتر ناکامورا برجسته می گردد. انسان با شرافتی که به جز خدمت برای انسان، هیچ نیت و مقصد دیگری در سر نداشت. در شرایطی که آدمها برای حفظ حیات و مقام خود از هیچ نوع سودجویی و دغلكاری ابا نمی ورزند، این انسان صادق و فداکار، نه تنها به مقام و سودجویی توجه نداشت بلکه از مرگ خود نیز نمی هراسید. با کارگران رفیق بود و مثل آنان بوجی ریگ را پشت میکرد. با دهقانان پیوند دوستی داشت و مثل آنان غذا می خورد و بیل میزد. هیچگامی در نقش آمر و ارباب ظاهر نگشت، مردم و کارگران، دهاقین و کودکان، او را حامی و دوست خود می پنداشتند. در پروژه های ناکامورا چور و چپاول وجود نداشت. چون خودش صادق بود به هیچ کسی باج نمی داد. گفته می شود که پروژه های ناکامورا از هر لحاظ یگانه و بی بدیل است. یکی از کارهای ماندگار ناکامورا، معرفی فرهنگ رضاکاری و نکوکاری بود که این فرهنگ زیبا و پسندیده را تا اعماق روستا ها انتقال داد. خودش سمبول رضاکاری بود و مردم، اخلاق رضاکاری را از عملکرد او می آموختند. ناکامورا تلاش می کرد تا به کارگران پروژه ها یاد بدهد که چگونه بخاطر آبادی وطن و انکشاف اقتصادی، در کنار کار های با مزد، چند ساعتی کار های رضاکارانه نیز انجام بدهند.

ناکامورا، به تمام معنی یک انسان ویژه و انساندوست بود. با تداوی یک کودک، به اندازه یک دنیا، لذت میبرد، با بلند کردن یک سنگ، شاد می شد، آبی که در کانال جاری می گشت، شرائین قلبش را تازه می کرد، دشت گمبیری که سرسبز می شد، بر لبهایش لبخند میکارید.

این انسان بزرگ به بشریت می اندیشید به بشر نیازمند و جنگزده. انسانی که به کمک های صادقانه ضرورت دارد. برایش مهم نبود که این فرد مربوط به کدام قوم و کدام ولایت است. غیر از ننگرهار در ولایات خوست و کنر نیز پروژه هایی داشته است. خدمت به انسان، اندیشه مرکزی ناکامورا را تشکیل میداد.

مردی که نصف عمر خود را در خدمت به مردم افغانستان سپری کرده بود و هنوز برنامه های زیادی برای تطبیق پروژه های جدید در سرداشت. با تأسف که او در 4 دسامبر سال 2019 سینه اش بوسیله تروریستان نشانه گرفته شد و در شهر جلال آباد به ابدیت پیوست.

نامت همیشه باد

کاکامراد عزیز